

الگوی تخصیص زمان به کردار در راه خداوند متعال ﷺ، کار و استراحت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۶/۳۰

مرتضی عزتی*

چکیده

پژوهش پیش رو می‌کوشد با دادن چارچوبی سازگار با دین، اثر باور به زندگی پس از مرگ و رضایت خاطر آن زندگی را بر رفتار تخصیص زمان انسان‌ها تحلیل و تبیین کند. نوشتار پیش رو در چارچوب نظریه پردازی می‌گنجد و روش تجزیه و تحلیل آن روش تحلیل منطقی همراه با تحلیل ریاضی و هندسی است. در این مقاله چگونگی تخصیص زمان به کردارها و اثر ایمان و دستمزد بر به کارگیری زمان در کردار در راه خداوند متعال ﷺ و کار و مبحث دیگر در این باره تبیین شده است. از یافته‌های اصلی این تبیین آن است که انسان هر دو دارایی پول و زمان خود را برای دست‌یابی به رضایت خداوند متعال ﷺ به کار می‌گیرد و این دو در این راه جانشین هم هستند. افزایش دستمزد اثر منفی بر تخصیص زمان در راه خداوند متعال ﷺ و اثر مثبت در تخصیص پول در راه خداوند متعال ﷺ دارد. جمع این دو به گونه‌ای است که افزایش دستمزد، جمع تخصیص دارایی به راه خداوند متعال ﷺ را افزایش می‌دهد.

واژگان کلیدی: تخصیص زمان، کار، کردار در راه خداوند متعال ﷺ، زندگی پس از مرگ.

طبقه‌بندی JEL: D21, D12

۹۵

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال پانزدهم / شماره ۵۹ / پاییز ۱۳۹۴

مقدمه

انسان می‌تواند زمان خود را مانند پول برای دستیابی به رضایت‌خاطر زندگی این جهان یا زندگی پس از مرگ به کار گیرد. همچنین می‌تواند از زمان خود برای تفریح یا دستیابی به درآمد بهره بگیرد. درآمد برای هرکسی، افزایش پول و با افزایش مصرف - بر پایه تابع مصرف - رضایت‌خاطر فراهم می‌کند. افزون بر این، هر کسی می‌تواند از زمان خود برای کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ و به‌دست آوردن پاداش و رضایت‌خاطر برای زندگی پس از مرگ بهره ببرد؛ از این رو وی در تصمیم‌گیری برای به کارگیری زمان خود - ساده شده - میان سه گزینه است:

۱. به کارگیری زمان برای به‌دست آوردن رضایت‌خاطر مستقیم زندگی این جهان در زمان حاضر، این رضایت‌خاطر هم‌زمان با به کارگیری زمان برای انجام کردارها به‌دست می‌آید؛ مانند رفتن به گردش، خوابیدن، خوردن، پیاده‌روی در پارک؛
۲. به کارگیری زمان برای فراهم کردن نیازهای آینده مانند به‌دست آوردن درآمد یا انجام کارهای خانه، نگهداری دارایی‌ها، تولید و فراهم کردن کالاها برای مصرف خود؛
۳. به کارگیری زمان برای کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ و دستیابی به رضایت‌خاطر برای زندگی پس از مرگ.

هرکسی می‌تواند با کردارهای نیک که نیازمند به کارگیری زمان است، رضایت‌خداوند متعال ﷻ و پاداش زندگی پس از مرگ را به‌دست آورد؛ مانند دستگیری از دیگران، دیدار بیمار، دیدار بازماندگان مردگان، همکاری بی‌مزد با سازمان‌های نیکو کاری، ستایش خداوند متعال ﷻ، به جا آوردن نماز.

در این باره چند پرسش پایه‌ای وجود دارد که عبارت هستند از: با این فرض‌ها، ایمان چه اثری بر تخصیص زمان به هر دسته از کردارها دارد؟ در این شرایط، دستمزد چه اثری بر این تخصیص زمان به کردارها دارد؟ آیا افزایش دستمزد همیشه اثر مثبت بر تخصیص زمان به کار دارد؟ هر کس چه ترکیبی از زمان و پول را بر خواهد گزید؟ این پرسش مهم نیز یکی از پرسش‌های پایه در اقتصاد خرد است که تغییر رضایت‌خاطر نهایی چه اثری بر تخصیص زمان دارد؟ در نوشتار پیش رو می‌کوشیم با گذاشتن چند فرض و بر پایه روش منطق و روش تحلیل ریاضی و هندسی، برای این پرسش‌ها، پاسخ به‌دست آوریم. برای این

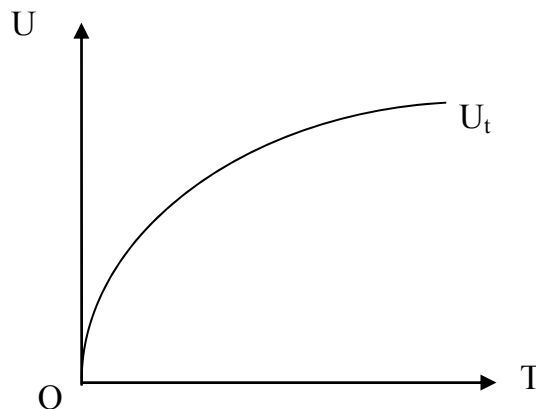
کار نخست چند فرض ساده‌کننده تحلیل را روشن می‌کنیم و پس از آن با گذاشتن پایه تحلیل بر آنها می‌کوشیم در چارچوبی منطقی تحلیل خود را ارایه کنیم.

چند فرض

در این بررسی فرض می‌کنیم آنچه برای انسان مهم است، اندازه رضایت‌خاطری است که از به‌کارگیری زمان در هر یک از این سه دسته کردار به‌دست می‌آورد. همچنین فرض می‌کنیم برای مؤمنی - با ایمان میانه - تابع رضایت‌خاطر هر سه این هزینه‌ها - هزینه‌کردن زمان - ویژگی‌های عادی دارد؛ یعنی رضایت‌خاطر به کار گرفتن هر واحد زمان برای هر یک از این کردارها، مثبت اما رضایت‌خاطر نهایی آن کاهشده است. همچنین رضایت‌خاطر آینده این جهان و زندگی پس از مرگ - با آوردن اثر ضریب اطمینان به رخ‌دادن آنها - را رضایت‌خاطر انتظاری می‌گیریم. در اینجا برای این تابع رضایت‌خاطر داریم:

$$U_t = \sum_{i=1}^3 B_i f(T_i) \quad (1)$$

نمودار ۱: تابع رضایت‌خاطر به کارگیری زمان



با فرض اینکه B_i ضریب اطمینان دست‌یابی به رضایت‌خاطر در هر گزینه و T_i زمان به کارگرفته شده برای کردارهای دسته i ام است، نمودار یک می‌تواند برای هر یک از سه دسته کردار و نیز جمع آنها درست باشد.

آنچه در اینجا ملاک تصمیم‌گیری در به کارگیری زمان برای این سه دسته کردار است، رضایت‌خاطر نهایی است که از هر کردار به‌دست می‌آورد. این رضایت‌خاطر نهایی نیز از

ضریب اطمینان به رخ دادن هر دوره اثر می‌پذیرد که برای زمان حال یا به‌کارگیری زمان برای به‌دست‌آوردن رضایت خاطر مستقیم مانند خواب، گردش و تفریح، احتمال نزدیک یک (یا قطعی) دارد؛ اما اینکه کسی از کارش دست‌مزدی به دست آورد و با آن در آینده کالا و خدمت بخرد و از مصرف آن رضایت خاطر به دست آورد؛ چون آینده است ضریب اطمینان وقوع کمتری دارد. ضریب اطمینان وقوع رضایت خاطر زندگی پس از مرگ نیز به اندازه ایمان هر کس بستگی دارد.

بر این اساس اگر کسی ایمان بالا داشته باشد، امید ریاضی رضایت خاطر پاداش جهان آخرت که از یک کردار الهی به‌دست می‌آورد، برای وی با ارزش بیشتری درون تصمیم می‌شود و اگر ایمانی ندارد، این امید ریاضی صفر خواهد شد. تابع رضایت خاطر کشیده شده از U_3^0 تا U_3^4 ، تابع‌های رضایت خاطر را برای به‌کارگیری زمان برای دست‌یابی به پاداش در زندگی پس از مرگ با وارد کردن اثر اندازه ایمان از صفر تا ایمان بسیار بالا نشان می‌دهند.

$$U_3^4 = B_3^4 f(T_3) \approx U_3^4$$

(۲)

⋮

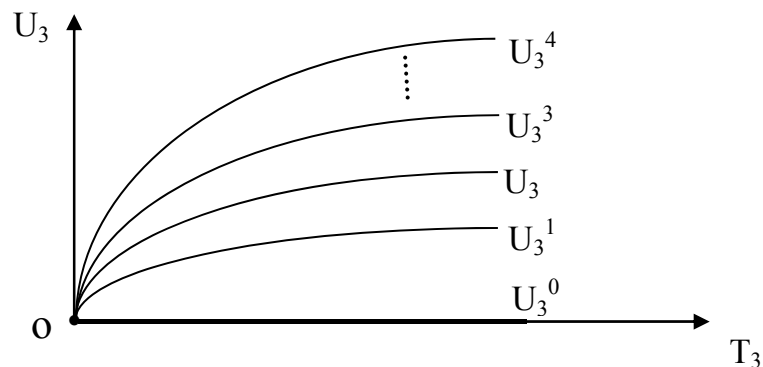
$$U_3^0 = B_3^0 f(T_3) \approx U_3^0$$

در اینجا T_3 زمان به کار رفته در راه خداوند متعال ﷻ - برای پاداش آخرت - را نشان

می‌دهد:

نمودار ۲: تابع رضایت خاطر زمان برای کردار در راه خداوند متعال ﷻ با اندازه‌های ایمان

گوناگون

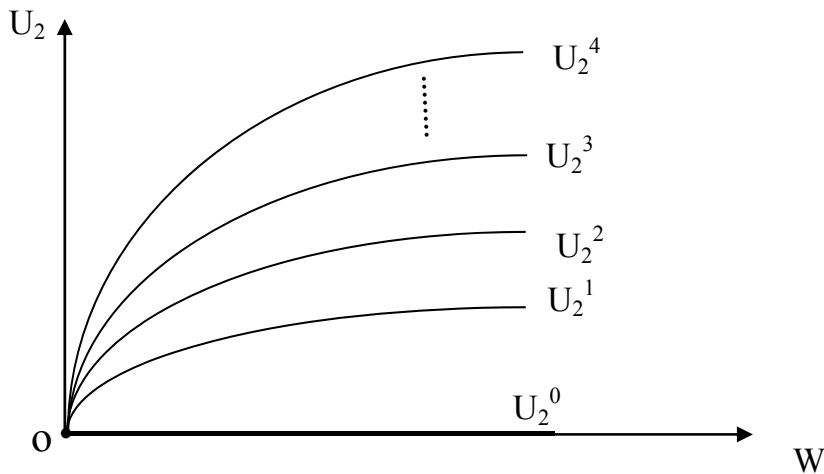


همچنین فرض می‌کنیم رضایت‌خاطر کارکردن و به‌دست آوردن درآمد برای مصرف در آینده نیز می‌تواند از دو عامل اثر بپذیرد: الف) دستمزد که هرچه بیشتر باشد - با ثابت بودن همه چیز دیگر - رضایت‌خاطر انتظاری کارکردن برای به‌دست آوردن دستمزد را بیشتر خواهد کرد. با فرض اینکه جمع دستمزد (W) از ضرب کردن زمان به کار گرفته‌شده برای کارکردن و نرخ دستمزد به‌دست می‌آید (یعنی $W=w.t$). ب) ضریب اطمینان به رخ دادن آینده که به امید به زندگی - و سن و مانند آن - هر کسی بستگی دارد. با فرض ثابت بودن نرخ دستمزد (W) اثر ضریب اطمینان به رخ دادن آینده (سن) مانند زیر در تابع رضایت‌خاطر آورده می‌شود:

$$\begin{aligned} U_3^4 &= B_3^4 f(W) \approx U_3^4 \\ &\vdots \\ U_3^0 &= B_3^0 f(W) \approx U_3^0 \end{aligned} \quad (3)$$

۹۹

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / الگوی تخصیص زمان به کردار در ...



همچنین با فرض ضریب اطمینان رخ دادن «یک» برای دستیابی به رضایت‌خاطر زمان حال از به‌کارگیری زمان خواهیم داشت:

$$U_1^4 = f_1(T_1) \quad (4)$$

نگاهی به پیشینه

در الگوی تخصیص زمان به کار و موضوع عرضه نیروی کار، چنین است که هر کس زمان خود را به دو بخش کار بازاری و دیگر کردارها تخصیص می‌دهد. کار برای به‌دست آوردن درآمد و تأمین مالی زندگی انجام می‌شود و دیگر کردارها به‌دست‌آوردن رضایت‌خاطر فوری زمان کنونی مانند استراحت و تفریح یا افزایش توانایی‌ها و آموزش انجام می‌شود. بر پایه اقتصاد سنتی تمام کردارها با هدف دست‌یابی به رضایت‌خاطر این جهان انجام می‌شود و دستمزد در جایگاه عامل اصلی تعیین‌کننده اندازه تخصیص زمان به هر یک از این دو دیده می‌شود و از تحلیل آن عرضه نیروی کار فردی به بازار کار به‌دست می‌آید. در این چارچوب اثرهای گوناگون دستمزد تحلیل و بُعدهای این عرضه روشن می‌شود. آنچه مهم است اینکه در آن تحلیل‌ها، تمام رفتارها بر پایه هدف این جهانی انجام می‌شود (قاسمی و شریف، ۱۳۸۷، ص ۵۱۹-۵۲۳).

درباره تخصیص زمان در چارچوب رفتار مصرف‌کننده در ادبیات اقتصاد اسلامی بررسی چندانی یافت نمی‌شود؛ اما در ادبیات اقتصاد سنتی به ویژه در بخش تخصیص زمان به کار و غیرکار، ادبیات گسترده‌ای در دسترس است. در این باره می‌توان به ادبیات گسترده کار، اشتغال، بیکاری و نیز تفریح و گردشگری نگاه کرد (ر.ک: برنسون، ۱۳۷۶ / داوودی، ۱۳۷۶).

همچنین می‌توان بخشی از ادبیات تخصیص را که می‌تواند به موضوع ما نزدیک‌تر باشد در ادبیات کردارهای خیرخواهانه در اقتصاد سنتی پیگیری کرد؛ البته این نظریه و دیدگاه‌های ارائه‌شده در این باره با کار ما تفاوت پایه‌ای دارد. برای روشن شدن برخی از تفاوت‌ها به برخی از مبانی این دیدگاه‌ها اشاره می‌کنیم. می‌توان گفت از نخستین کسانی که با نگاه علمی امروزمین اقتصاد به موضوع رفتار خیرخواهانه پرداخته *آدام اسمیت* است. وی خیرخواهی را رفتار خوبی می‌داند اما آن را حاصل خودخواهی افراد و رفتار آنها برابر انگیزه‌های فردی خودخواهانه می‌داند (نهضتی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲۵-۴۶).^{*} شاید بتوان بررسی‌ها درباره تخصیص زمان در اقتصاد اسلامی را بررسی‌های زیر دانست.

* کولارد (۱۹۸۱م) در کتاب *رفتار خیرخواهانه و اقتصاد*، انگیزه‌های گوناگونی مانند دست‌یابی به شهرت،

درباره رفتار تخصیص زمان به کار بیشتر نوشتارها با موضوع عرضه کار آورده شده است. بر این اساس در اینجا نیز پیشینه بررسی‌ها بیشتر با این نام آورده شده است. نگاهی به این پیشینه می‌کنیم.

صدر و رضایی (۱۳۷۸) در مقاله «عرضه نیروی کار فرد مسلمان و عوامل موثر بر آن» کوشیده‌اند پس از نگاهی به روایت‌ها درباره کار با روش تحلیل منطقی و هندسی به ترسیم عرضه نیروی کار مسلمان بپردازند. نتیجه این بررسی آن است که دستمزد، انفاق، کمک به دولت، الگوی مصرف و مشارکت بر عرضه کار مسلمان اثر دارند. این اثرها باعث افزایش عرضه کل کار می‌شود.

کرمی (۱۳۸۳) در مقاله «درآمدی بر الگوی تخصیص زمان با نگرش دینی» می‌کوشد الگویی برای نشان‌دادن چگونگی تخصیص زمان یک انسان آخرت‌گرا به سه دسته هدف ارایه کند:

الف) نیازهای ابتدایی یا پایه‌ای زندگی مانند رفع گرسنگی، حفظ بدن، استراحت؛

ب) هدف‌های نهایی مانند به‌دست‌آوردن سود و درآمد؛

ج) هدف‌های واسطه‌ای که بین هدف‌های پایه و نهایی است.

در این نوشتار کوشش شده است با روش تحلیل منطقی و هندسی، بحث در چارچوب دو گام روشن شود: الف) رفتار تخصیص زمان به کار و فراغت که مانند همان اقتصاد سنتی برای یک انسان توضیح داده شده است. ب) گزینش نوع شغل که در این گام انسان دنیاگرا و انسان آخرت‌گرا متفاوت تحلیل شده‌اند. نوشتار پیش‌گفته کوششی برای تبیین رفتار

خود را به دیگران نزدیک کردن (چاپلوسی)، به‌دست آوردن موقعیت اجتماعی بهتر، گرفتن رفتار متقابل از دیگران، ارضای حس نوع‌دوستی، ارضای حس ترحم، به‌دست آوردن مطلوبیت از کار خیر و ... را انگیزه‌های رفتار خیرخواهانه می‌داند که تمام اینها با هدف‌های این جهانی است دیدگاه‌ها رفتارمتغیرها و فضای تحلیل و در نتیجه کردار و نتیجه آن برای فرد متفاوت است. فرد برای جهان پس از مرگ نیست بلکه همه هدف و انگیزه این جهانی است. همچنین گارنر و واگنر در مقاله‌ای به بررسی عوامل اثرگذار بر رفتار خیرخواهانه افراد می‌پردازد که ارزش نسبی و عوامل دیگر را پوشش داده‌اند. در اینجا یادآوری می‌شود همان‌گونه که گفته شد در این دیدگاه‌ها تمام انگیزه و هدف این جهانی است و سخنی از جهان پس از مرگ نیست. هر چند ابزار تحلیل ما با آنها یکی است اما متغیرها و ماهیت تحلیل و در نتیجه رفتار و اثرهای آن متفاوت است که در تحلیل‌ها مشاهده می‌شود.

گزینش شغل برای یک انسان آخرت‌گرا و مقایسه آن با انسان دنیاگراست. این کار با روش منطقی و به‌کارگیری ابزار نموداری تحلیل شده است. در نوشتار پیش‌گفته کار دنیایی و آخرتی جدا شده است و برای انسان دنیاگرا فقط گزینه کار دنیایی دیده شده و تحلیل سنتی اقتصاد ارائه‌شده و با همان روش کوشش شده است کار آخرتی تعریف شود و نمودار تحلیلی گزینش کار (شغل) دنیایی و آخرتی برای یک انسان آخرت‌گرا تبیین شود. نتیجه اصلی این بررسی آن است که تخصیص زمان فرد آخرت‌گرا به کار دنیایی با تغییر دستمزد کمتر به عقب باز می‌گردد.

نظری (۱۳۸۰) در مقاله «کار، اشتغال و تولید در آینه نهج‌البلاغه»، کوشیده است با روش منطقی و با کمک روایت با توضیح بُعد فلسفی، زیربنایی جامعه شناختی، به توضیح اثر شرایط بینشی، رفتاری، ارزشی و فرهنگی کار، اشتغال و تولید از دیدگاه اسلامی بر روی تولید پردازد.

میرمعزی (۱۳۸۳الف) در مقاله نظریه «رفتار تولیدکننده و تقاضای کار در اقتصاد اسلامی»، بازار کار در اقتصاد اسلامی را در چارچوب دو بازار اجاره و مشارکت در نظر می‌گیرد و با پذیرش حداکثرسازی سود از سوی تولیدکننده مسلمان در هر دو بازار نیروی کار با روش منطقی و هندسی تقاضای نیروی کار این دو گونه بنگاه را به‌دست می‌آورد. از روی آن نیز با جمع تقاضاهای بنگاه‌ها تقاضای بازار را به‌دست می‌آورد. شکل این تقاضا مانند تقاضای کار در اقتصاد سنتی است. اما وی می‌گوید: «تقاضای کل نیروی کار در اقتصاد اسلامی بیشتر از تقاضای کل نیروی کار در اقتصاد سرمایه‌داری است» (میرمعزی، ۱۳۸۳الف، ص ۱۰۳).

میرمعزی (۱۳۸۳ب) در مقاله «عرضه نیروی کار در اقتصاد اسلامی»، در ادامه همان نوشتار می‌کوشد با همان روش با به‌کارگیری مدل کار - فراغت نئوکلاسیک و با همان پیش‌فرض‌ها، عرضه نیروی کار مسلمان در اقتصاد اسلامی را در چارچوب دو بازار اجاره و مشارکت نیروی کار تحلیل کند. وی چارچوب اسلامی را با پدید ساختن محدودیت وارد تحلیل می‌کند و منحنی و تابع عرضه نیروی کار مسلمان را به‌دست می‌آورد؛ سپس با این پایه، عرضه بازار را با جمع عرضه‌های کار خرد به‌دست می‌آورد و این دو بازار را با هم تحلیل می‌کند. در پایان معیارهایی برای انتخاب دو بازار از سوی نیروی کار می‌دهد.

میرمعزی (۱۳۸۳ج) در مقاله «تعادل در بازار کار و استخراج عرضه کل در اقتصاد اسلامی»، در ادامه همان کارها می‌کوشد بر پایه تحلیل مقاله پیشین با فرض وجود و عدم توهّم پولی به این نتیجه می‌رسد که در اقتصاد اسلامی نیز عرضه کل نیروی کار عمودی است. وی می‌گوید که در اقتصاد اسلامی توهّم پولی نیست؛ اما علت‌های چسبندگی دستمزدها می‌تواند وجود داشته باشد.

رضایی (۱۳۸۴) آثار برخی قواعد فقهی بر بازار کار را توضیح می‌دهد. این بررسی چندان به موضوع تخصیص زمان نمی‌پردازد. بیشتر برخی قواعد فقهی و اثر آن را بر بازار کار تحلیل منطقی می‌کند.

با یک نگاه به این بررسی‌ها می‌توان گفت هر یک از این بررسی‌ها گوشه‌ای از الگوی تخصیص زمان یک انسان دین‌دار را توضیح داده‌اند؛ اما هیچ‌یک به صورت یک‌پارچه الگویی برای تخصیص هم‌زمان زمان به کردار در راه خداوند متعال ﷻ، کار و استراحت نداده‌اند. در نوشتار پیش رو ما در پی این هستیم که چنین الگویی بدهیم.

افزون بر اینها عزتی (۱۳۸۲) در کتاب **نظریه اسلامی رفتار مصرف‌کننده** و حسینی (۱۳۷۹) در کتاب **الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمان** اشاره کوتاهی به این موضوع داشته‌اند. همچنین موسوی، نعمت‌پور و زرین‌اقبال (۱۳۸۷) در مقاله «تحلیل نظری وضع مالیات بهینه با توجه به الگوی تخصیص زمان» و کشاورز حداد و برهانی (۱۳۹۱) در مقاله «تصمیم جمعی درون خانواده و تخصیص زمان زن و شوهر: شواهدی از تأثیر نسبت جنسیتی بر عرضه نیروی کار فردی زنان و مردان در ایران» بدون دیدن اثر دین به موضوع تخصیص زمان پرداخته‌اند.

درباره رابطه رفتار تخصیص زمان و دین در خارج از ایران بررسی‌های بیشتری انجام شده که بیشتر این بررسی‌ها تجربی هستند. استارک (R. Stark, 1972) در یک بررسی تجربی با نمونه‌ای از شهروندان امریکا رابطه آماری میان سطح درآمد با باورهای مذهبی و شرکت در فعالیت‌های مذهبی را بررسی کرده که رابطه معنادار میان درآمد و متغیرهای یادشده، نیافته است. یاناکن (L. Lannaccon, 1992) در یک بررسی تجربی با نمونه‌ای از شهروندان امریکا رابطه آماری میان فرقه مذهبی - محافظه کار، لیبرال و دیگر گروه‌ها - فرد و اندازه حضور در کلیسا را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که حضور پیروان

فرقه‌های اصول‌گرا در کلیسا بیشتر است. هوگ و یانگ (D.Hoge & F.Yang, 1994) به بررسی تفاوت اعضای شاخه‌های لیبرال و اصول‌گرای مذهبی در زمان حضور در مراسم دینی و به‌کارگیری زمان برای کردارهای دینی پرداخته‌اند و به نتیجه‌ای مانند نتیجه بررسی یاناکن دست یافته‌اند. کلوند، لاروچ و هلاب (۲۰۱۱م) در بررسی رابطه جهانی‌شدن، فرهنگ و مذهب با ارزش‌ها میان دو گروه مسلمان و مسیحی لبنان با نمونه آماری هزار نفری از لبنانی‌ها پرداخته‌اند و از نتیجه‌های آن درباره تخصیص زمان به کارهای بررسی شده این است که جهانی‌شدن روی رفتارهای مسلمانان مانند تخصیص زمان و انتخاب نوع کالای مصرفی بیشتر از مسیحیان اثر دارد. رسیده‌اند که نمونه کارهای دیگری که همچون بررسی‌های یادشده به بررسی این رابطه پرداخته‌اند، بررسی یاناکن (۱۹۹۸م و ۱۹۹۰م)، مورای (J.Murray, 1995) و مونتگومری (J. D. Montgomery, 1996(a),(b)) است. نیومن (S. Neuman, 1986) این موضوع را روی نمونه‌ای از کارگران یهودی در اسرائیل بررسی کرده و نتیجه بررسی با روش آماری مانند بررسی‌های یادشده است.

محققان دیگری مانند سولیوان (D. H. Sullivan, 1985)، زالسکی و چک (P. A. Zaleski & C. E. Zech, 1994)، والیس (J. L. Wallis, 1990) و لیپفورد (J. W. Lipford, 1995) رابطه پرداخت مالی به کلیسا و اندازه صرف زمان در راه مذهب (کلیسا) را با نمونه‌هایی از جمعیت مسیحیان در کشورهای گوناگون غربی بررسی کرده‌اند که غیر از لیپفورد که رابطه مثبت یافته، دیگر بررسی‌ها میان این دو عامل رابطه منفی یافته‌اند. بر پایه نتیجه به‌دست آمده در بررسی‌های پیشین می‌توان گفت بررسی‌های تجربی گذشته نشان می‌دهد دین‌داری بیشتر با زمان تخصیصی به کردارهای دینی رابطه مثبت دارد و بیشتر مشاهده‌های تجربی نیز نشان می‌دهند درآمد و زمان تخصیصی به کردارهای دینی رابطه منفی دارند. با این وجود در این بررسی‌ها به علت پدید آمدن این رابطه‌ها پرداخته نشده است. در اینجا در پی تحلیل علت این رابطه‌ها هستیم. دیدگاه ما این است که علت این رابطه‌ها اندازه برخورداری افراد از ایمان دینی است. بر این پایه در اینجا می‌کشیم این

رابطه‌های تجربی میان زمان تخصیصی به کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ و درآمد را بر پایه ایمان تحلیل کنیم و برای آن چارچوب نظری ارائه کنیم.*

چگونگی به‌کارگیری زمان در کردارها

بر پایه فرض‌هایی که گذشت هر کسی می‌تواند بر پایه ویژگی‌های خود و کردارهایی که می‌تواند انجام دهد، در به‌کارگیری زمان خود، کردارهایی را برگزیند که هم‌زمان، یک، دو یا سه دسته هدف را برآورده کند؛ پس هر کسی می‌تواند زمان خود را برای به‌دست آوردن رضایت‌خاطر زمان حال، آینده یا رضایت خداوند متعال ﷻ به کار گیرد. این رضایت‌خاطرها انگیزه هر کس برای به‌کارگیری زمان در هر یک از آنهاست. می‌توان گفت رضایت‌خاطری که هر کس در هر بار به‌کارگیری زمان به‌دست می‌آورد بر پایه برداشت-هایش از هر کردار با یکدیگر جانشین هستند.

اینکه انسان چگونه زمان خود را در کردارهای گوناگون به کار ببرد، بر پایه آنچه درباره هزینه‌های مصرف‌کننده وجود دارد، است (عزت‌ی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۲-۱۴۴)، اینجا نیز می‌توانیم بگوییم که هر کسی زمان خود را به سه بخش جدا می‌کند تابع رضایت‌خاطر هر کس از سه دسته رضایت‌خاطر زمان حال، آینده این جهان و زندگی پس از مرگ درست شده است که با فرض وابسته‌نبودن آنها برای به‌کارگیری زمان در سه دوره خواهیم داشت:

$$U_t = U_1(t_1) + U_2(t_2) + U_3(t_2) = f(t_1, t_2, t_3) \quad (5)$$

که با فرض‌های عقلانیت و عادی‌بودن انسان داریم:

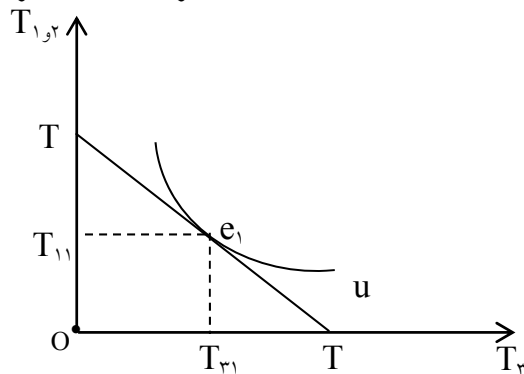
$$U_1' > 0, \quad U_2' > 0, \quad U_3' > 0 \quad (6)$$

$$U_1'' < 0, \quad U_2'' < 0, \quad U_3'' < 0 \quad (7)$$

* در اینجا یادآوری این نکته نیز به درک نوآوری بررسی پیش رو کمک می‌کند. در اقتصاد سنتی، بحث کارهای خیریه نیز مطرح شده است؛ اما این کارهای خیریه با نگاه دنیایی تحلیل شده‌اند بحث ما به‌طور کامل متفاوت از هزینه‌کردن برای امور خیریه با هدف رضایت‌خاطر آنی دنیایی است. رضایت‌خاطری که اینجا مطرح است، رضایت‌خاطر زمان حاضر نیست و یک رضایت‌خاطر احتمالی برای زندگی پس از مرگ است.

به سخن دیگر هر سه رضایت‌خاطرهای نهایی مثبت و کاهنده هستند. در نمودار چهار خط TT خط دارایی زمانی و منحنی بی‌تفاوتی به‌دست آمده از رویه رضایت‌خاطر زمان برای زندگی این جهان و آخرت یک شخص است. وی می‌تواند تمام زمان خود را روی محور افقی به اندازه T برای کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ به کار گیرد یا به همین اندازه زمان را روی محور عمودی برای کردارهای این جهانی به کار گیرد. اگر وی رفتاری عادی داشته باشد با برخورداری از ایمان به خداوند متعال ﷻ ، جهان و زندگی پس از مرگ در نقطه‌ای مانند e_1 در تعادل خواهد بود که بخشی از زمان خود را مانند T_{11} به زندگی این جهان و بخشی را مانند T_{31} برای کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ به کار بگیرد. آنچه در اینجا در اندازه به‌کارگیری زمان برای زندگی این جهان و زندگی پس از مرگ اثرگذار می‌باشد، اندازه رضایت‌خاطر نهایی هر یک از این دو است. از آنجا که زمان هر کسی برای به‌کارگیری در هر دو دوره مانند هم دیده شده، شیب خط دارایی (بودجه) زمانی برابر یک است. شیب منحنی بی‌تفاوتی نیز برابر منفی نسبت رضایت‌خاطر نهایی است که هر کسی برای زمان به کار گرفته‌شده در راه خداوند متعال ﷻ برای خود اندازه‌گیری می‌کند، به رضایت‌خاطر نهایی زمان به کار گرفته‌شده برای زندگی این جهان - مانند تفریح یا درآمد کار - که وی دارد.

نمودار ۴: تعادل به‌کارگیری زمان در راه خداوند متعال ﷻ و برای رضایت‌خاطر زندگی این جهان



بر این اساس هر چه رضایت‌خاطر نهایی کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ که زمان برای آن به کار گرفته می‌شود، بیشتر (کمتر) شود، شیب منحنی بی‌تفاوتی افزایش (کاهش) می‌یابد و هر چه رضایت‌خاطر نهایی به‌کارگیری زمان برای زندگی این جهان بیشتر (کمتر)

شود، شیب منحنی بی تفاوتی کاهش (افزایش) می‌یابد. هر کسی بر پایه این افزایش و کاهش شیب منحنی بی تفاوتی خود، اندازه بیشتر یا کمتری زمان در کردارهای خداپسندانه - در راه خدا- به کار خواهد گرفت.

همچنین می‌دانیم که رضایت‌خاطر آینده این جهان قطعی نیست و برای هر کسی به ویژگی‌های بدنی و سن وی و چیزهای دیگر بستگی دارد. همچنین پنداشت هر کسی از قطعی بودن رضایت‌خاطر زندگی پس از مرگ هم به اندازه ایمان وی بستگی دارد. بر این پایه دو عامل مهم برای اندازه رضایت‌خاطر و رضایت‌خاطر نهایی زمان به کار گرفته شده در هر دوره زمانی، سن و ایمان وی - به خداوند متعال ﷻ، جهان پس از مرگ و رضایت‌خاطر زندگی در آن جهان - است. بر این پایه برای تابع رضایت‌خاطر به کارگیری زمان خواهیم داشت:

$$U_t = B_1 U_1(T_1) + B_2 U_2(T_2) + B_3 U_3(T_3) \quad (8)$$

۱۰۷

که در آن B_1 ، B_2 و B_3 ضریب اطمینان دست‌یابی به رضایت‌خاطرهای زندگی زمان حال، آینده این جهان و زندگی پس از مرگ است و اندازه B_1 نزدیک یک است، اما B_2 و B_3 برای انسان‌های عادی کمتر از یک است.

اگر فرض کنیم در فضای دو بُعدی بخواهیم تحلیل کنیم، زمان به کار گرفته شده برای زندگی این جهان - حال و آینده - را یک سوی به کارگیری و زمان به کار گرفته شده در راه خداوند متعال ﷻ را سوی دوم به کارگیری می‌گیریم. در اینجا شیب منحنی بی تفاوتی خواهد شد.

$$\frac{\partial U_3}{\partial U_{1,2}} = \frac{B_3 U'_3}{B_2 U'_{1,2}} \quad (9)$$

چنان‌که فرض کنیم کسی زمانی را که برای استراحت - خوابیدن؛ خوردن و ... - به کار می‌گیرد، ناچار است باید آن را کنار بگذاریم. همچنین فرض کنیم کسی مانده زمان خود را فقط یا برای کار کردن - و به دست آوردن درآمد و رضایت‌خاطر آینده - یا در راه خداوند متعال ﷻ - و برای به دست آوردن رضایت‌خاطر زندگی پس از مرگ - به کار می‌گیرد. در اینجا شیب منحنی بی تفاوتی به کارگیری این زمان (مانده) برابر می‌شود با:

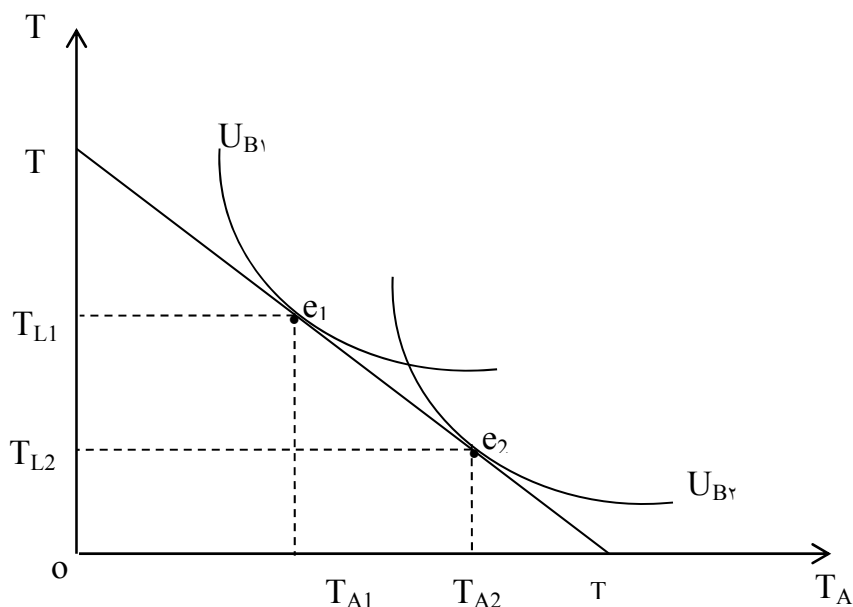
$$\frac{\partial U_3}{\partial U_2} = \frac{B_3 U'_3}{B_2 U'_2} \quad (10)$$

اثر ایمان بر به‌کارگیری زمان برای کردار در راه خداوند متعال ﷻ و کار

یک پرسش مهم در اینجا آن است که با این شرایط، ایمان چه اثری بر این تخصیص زمان دارد؟ چنان‌که گفتیم اثر ایمان بر تابع هزینه در راه خداوند متعال ﷻ در جایگاه یک ضریب اطمینان به رخ دادن زندگی پس از مرگ و رضایت‌خاطر آن، در تابع رضایت‌خاطر آورده می‌شود. چنان‌که ایمان بیشتر باشد، منحنی یا تابع را به بالا می‌برد. در اینجا نیز چنان‌که ایمان به خداوند متعال ﷻ، جهان پس از مرگ و زندگی و رضایت‌خاطر آن صفر باشد، انسان چنین می‌پندارد که کردارها و زمانی که در راه خداوند متعال ﷻ می‌گذارد، رضایت‌خاطری برایش به ارمغان نخواهد آورد. اگر ایمان داشته باشد، این رضایت‌خاطر را رخ دادنی خواهد دانست. هر چه ایمان کسی بیشتر باشد، ارزش انتظاری این رضایت‌خاطر را بیشتر خواهد دانست.

بر این اساس، ایمان بیشتر، رضایت‌خاطر نهایی به‌کارگیری زمان در راه خداوند متعال ﷻ را افزایش می‌دهد. با افزایش رضایت‌خاطر نهایی به‌کارگیری زمان در راه خداوند متعال ﷻ، شیب منحنی بی‌تفاوتی افزایش می‌یابد. نمودار پنج را بر پایه‌های نمودار چهار در نظر می‌گیریم:

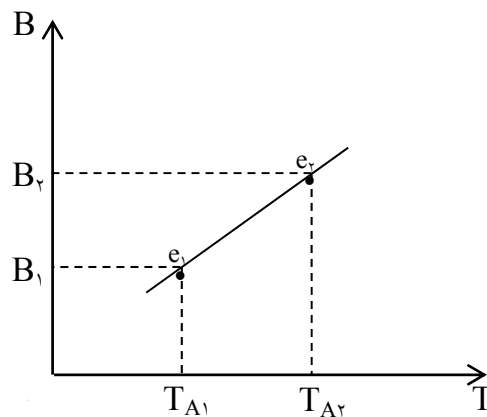
نمودار ۵: اثر افزایش ایمان بر به‌کارگیری زمان برای کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ و کار



نقطه تعادل e_1 با به‌کارگیری T_{A1} زمان در راه خداوند متعال ﷻ و T_{L1} زمان برای کار - و دیگر کردارهای رضایت‌آور این جهانی - برپاست. چنان‌که ایمان افزایش بیابد، منحنی بی‌تفاوتی مانند u_2 می‌شود. با این افزایش ایمان، زمانی را که وی در راه خداوند متعال ﷻ به کار می‌گیرد به T_{A2} افزایش می‌دهد و زمانی را که برای کردارهای دارای رضایت‌خاطر این جهان به کار می‌گیرد به T_{L2} کاهش می‌دهد.

اگر بخواهیم تابع به‌کارگیری زمان در کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ را نشان دهیم، می‌توانیم نقطه‌های e_1 و e_2 را بر پایه ایمان و زمان به کار گرفته‌شده در راه خداوند متعال ﷻ در نمودار شش‌بی‌اوریم. محور افقی، زمان در راه خداوند متعال ﷻ و محور عمودی، ایمان را نشان می‌دهد که با ایمان B_1 در نقطه تعادلی e_1 از نمودار پنج‌زمان T_{A1} برای به‌کارگیری در راه خداوند متعال ﷻ به‌دست می‌آید و از نقطه e_2 با ایمان B_2 زمان برای به‌کارگیری در راه خداوند متعال ﷻ T_{A2} می‌شود. این اندازه‌ها را روی صفحه در نمودار شش‌بی‌اوریم. با کشیدن خطی که این دو نقطه را به هم پیوند می‌دهد منحنی به‌کارگیری زمان در راه خداوند متعال ﷻ بر پایه ایمان به‌دست می‌آید.

نمودار ۶: رابطه ایمان و به‌کارگیری زمان برای کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ



اثر دستمزد بر به‌کارگیری زمان برای کار و کردار در راه خداوند متعال ﷻ

در این شرایط این پرسش پیش می‌آید که دستمزد چه اثری بر این تخصیص زمان به کردارها دارد؟ می‌دانیم که انسان بیشتر با هدف به‌دست آوردن درآمد و فراهم کردن نیازهای زندگی کار می‌کند. رضایت‌خاطر کار هم بیشتر به درآمدی (دستمزدی) بستگی دارد که از کارکردن به‌دست می‌آورد. به سخن دیگر هر چه دستمزد بیشتر باشد، رضایت‌خاطر هر واحد از زمان که برای کار به کار گرفته می‌شود، بیشتر خواهد شد.

چون رضایت‌خاطر کارکردن وابسته به دستمزد است؛ پس با افزایش دستمزد، رضایت‌خاطر نهایی که وی انتظار دارد از هر واحد زمان کارکردن به‌دست بیاورد، افزایش می‌یابد؛ یعنی رضایت‌خاطر کارکردن (افزون بر سن (B_2) تابعی از زمان به کار گرفته‌شده برای کار و دستمزدی است که وی برای هر واحد زمان کارکردن به‌دست می‌آورد، پس داریم:

$$U_{TL} = f(T_L, W) \quad (11)$$

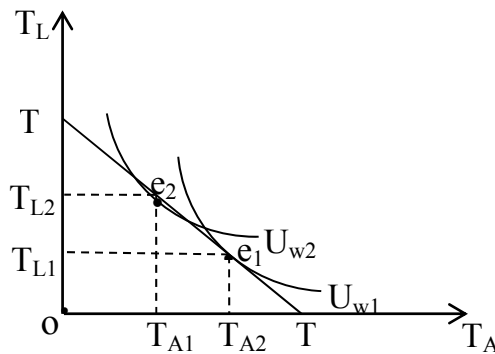
$$f'_w > 0$$

بر این اساس با افزایش دستمزد (w) و فرض ثابت بودن دیگر چیزها، نرخ نهایی جانشینی، کاهش - قدر مطلق شیب منحنی بی‌تفاوتی افزایش - می‌یابد. برای نشان دادن اثر دستمزد بر به‌کارگیری زمان برای کار و زمان در راه خداوند متعال ﷻ نمودار شش را مانند نمودار چهار می‌گیریم که تعادل با w_1 در نقطه e_1 است.

اگر دستمزد افزایش یابد شیب منحنی بی‌تفاوتی کاهش می‌یابد. اثر این افزایش دستمزد را با یک منحنی بی‌تفاوتی با شیب کمتر بر روی نمودار هفت نشان می‌دهیم. منحنی u_2 نشان‌دهنده منحنی بی‌تفاوتی با دستمزد بیشتر است که بر پایه آن وی زمان بیشتری را برای کارکردن به کار خواهد برد و زمان کمتری را در راه خداوند متعال ﷻ به کار خواهد برد. چنین کسی می‌تواند برای به‌دست آوردن همان اندازه پیشین رضایت خداوند متعال ﷻ، پول در راه خداوند متعال ﷻ هزینه کند؛ چون ارزش ریالی زمان وی افزایش یافته است و

وی می‌تواند با افزایش درآمد بخشی از درآمدش را به جای زمان در راه خداوند متعال ﷻ هزینه کند.

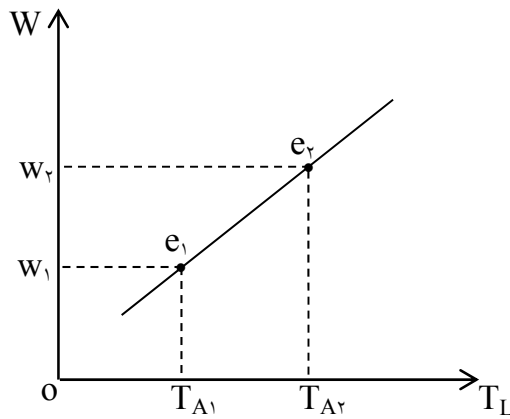
نمودار ۷: اثر افزایش دستمزد بر به کار بردن زمان برای کارکردن و کردار در راه خداوند متعال ﷻ



۱۱۱

بر این اساس می‌توان با نشان‌دادن نقطه‌های e_1 و e_2 بر روی نمودار با محورهای دستمزد (w) و عرضه کار - زمان به کار برده‌شده برای کارکردن یا T_L - منحنی عرضه نیروی کار را مانند نمودار هشت به‌دست آورد.

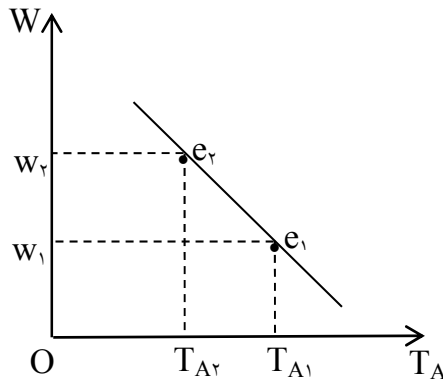
نمودار ۸: منحنی کار - دستمزد



مانند منحنی کار - دستمزد می‌توان اثر دستمزد بر زمان به کار برده‌شده برای کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ را نیز در چارچوب منحنی کردار در راه خداوند متعال ﷻ - دستمزد به دست آورد. اندازه‌های زمان به کار برده‌شده در راه خداوند متعال ﷻ با هر دستمزدی را در نقطه‌های تعادل e_1 و e_2 از نمودار هفت روی نموداری یا محورهای کردار

در راه خداوند متعال ﷻ - زمان در راه خداوند متعال ﷻ - و دستمزد نشان می‌دهیم. منحنی نه این را نشان می‌دهد:

نمودار ۹: منحنی کردار در راه خداوند متعال ﷻ - دستمزد



در این منحنی، نخست در نقطه e_1 یا دستمزد w_1 اندازه زمان به کار برده شده برای کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ برابر T_{A1} است و با افزایش دستمزد به w_2 و افزایش رضایت‌خاطر کارکردن، زمان به کار برده شده برای کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ به T_{A2} کاهش می‌یابد. پس شیب منحنی کردار (زمان) در راه خداوند متعال ﷻ - دستمزد منفی است.

در اینجا باید دانست کسانی که ایمان به خداوند متعال ﷻ، زندگی پس از مرگ و رضایت‌خاطر آن دارند. این کاهش به‌کارگیری زمان در راه خداوند متعال ﷻ را با افزایش هزینه‌های پولی در راه خداوند متعال ﷻ درست می‌کنند این جایگزین‌سازی را در این بخش نشان خواهیم داد.

جایگزینی زمان و پول برای تولید رضایت‌خاطر

هر کسی می‌تواند برای به‌دست آوردن رضایت‌خاطر، زمان خود و پول خود را هزینه کند؛ به ویژه چون رضایت‌خاطر زندگی پس از مرگ با هزینه‌کردن هر دو زمان و پول به دست می‌آید، هر کسی می‌تواند برای به‌دست آوردن رضایت‌خاطر خداوند متعال ﷻ و پاداش زندگی پس از مرگ، این دو دارایی خود را جایگزین هم کند و چنان‌که کسی از ایمان به خداوند متعال ﷻ، جهان پس از مرگ و رضایت‌خاطر آن برخوردار باشد، کوشش می‌کند نیازهای

زندگی آن جهان خود را نیز فراهم کند. چنان‌که وی دارایی پولی (درآمد) و مانند آن به اندازه بسنده برای هزینه کردن در راه خداوند متعال ﷻ نداشته باشد، می‌تواند برای به دست آوردن رضایت خداوند متعال ﷻ و فراهم کردن پاداش خداوند متعال ﷻ در زندگی پس از مرگ، زمان خود را به کار بگیرد و این زمان را در راه خداوند متعال ﷻ هزینه کند تا برای زندگی پس از مرگ خود، رضایت خاطر به دست آورد؛ پس می‌توان گفت هر کسی دو گونه دارایی برای فراهم کردن رضایت خاطر زندگی پس از مرگ دارد. این دو را با یکدیگر هم‌زمان به کار می‌گیرد و بر پایه رضایت خاطر کردارهای جانشینی که از این دو می‌تواند به دست آورد یا به سخن دیگر هزینه فرصت آنها، آنان را برای به دست آوردن رضایت خاطر زندگی پس از مرگ به کار می‌گیرد. بر این پایه می‌توان تابع رضایت خاطر زندگی پس از مرگ را مانند زیر نوشت:

$$U_A = f(T_A, M_A) \quad (۱۲)$$

که بر پایه آن رضایت‌خاطری که وی برای زندگی پس از مرگ به دست خواهد آورد، تابعی از اندازه پول (M_A) و زمانی (T_A) است که وی در راه خداوند متعال ﷻ به کار می‌گیرد - هزینه می‌کند - آن را تابع تولید رضایت خاطر زندگی پس از مرگ نیز می‌نامیم و در آن فرض داریم:

$$\begin{aligned} f'_T > 0, f'_M > 0 \\ f''_{TT} < 0, f''_{MM} < 0 \end{aligned} \quad (۱۲)$$

ترکیب بهینه به کارگیری پول و زمان در راه خداوند متعال ﷻ

پرسش مهم این است که هر کس چه ترکیبی از زمان و پول را بخواهد بگذرد؟ بر پایه آنچه گفته شد هر کسی ترکیبی از زمان و پول را در راه خداوند متعال ﷻ هزینه می‌کند که بیشترین رضایت خاطر این جهان و آخرت را به دست آورد. اگر کسی بخواهد رضایت خاطر از پیش روشن شده‌ای را برای زندگی پس از مرگ به دست آورد (مانند \bar{R})، برای اینکه وی کردار بهینه‌ای داشته باشد، عقلانی است با کمترین اندازه هزینه کردن دارایی خود به این هدف برسد. به سخن دیگر وی باید هزینه خود را کمینه کند.

برای نشان دادن اثر جایگزینی زمان و پول، منحنی تولید رضایت خاطر همسان از به‌کارگیری دو دارایی زمان و پول را مانند آنچه در نمودار یازده آمده است می‌کشیم. منحنی تولید رضایت خاطر همسان، جای هندسی ترکیب‌هایی از زمان و پول است که کسی باید برای به‌دست آوردن یک رضایت خاطر ثابت - مانند رضایت‌خاطری به اندازه R برای زندگی پس از مرگ - هزینه کند؛ چون هر دو رضایت‌خاطرهای نهایی تولیدشده از هزینه‌کردن پول و زمان کاهنده است، در ترکیب این دو نیز توان تولید رضایت خاطر نهایی آنها و نیز هزینه به‌کارگیری آنها بسیار مهم است.

منحنی R_1 نشان‌دهنده رضایت‌خاطری به اندازه ثابت R_1 برای زندگی آخرت است که از ترکیب‌های گوناگون زمان‌ها و پول‌هایی به‌دست می‌آید که کسی در راه خداوند متعال ﷺ هزینه می‌کند. به سخن دیگر M_1 پول (مانند ده هزار تومان) پرداختن، همراه T_1 زمان (مانند یک ساعت) در هر روز در راه خداوند متعال ﷺ کردار داشتن، رضایت‌خاطری به اندازه R_1 برای وی فراهم می‌کند. اگر وی بخواهد همین اندازه رضایت خاطر R_1 را برای زندگی پس از مرگ خود فراهم کند؛ اما به جای M_1 پول (ده هزار تومان) به اندازه M_2 (پنج هزار تومان) در راه خداوند متعال ﷺ هزینه کند، باید T_2 (دو ساعت) کردار در راه خداوند متعال ﷺ داشته باشد. چنان‌که کمتر از این (دو ساعت) کردار در راه خداوند متعال ﷺ داشته باشد، نمی‌تواند این اندازه (R_1) رضایت خاطر برای زندگی پس از مرگ خود فراهم کند. به سخن دیگر وی برای دستیابی به رضایت‌خاطری به اندازه پیشین (R_1) باید $T_2 - T_1$ (یک ساعت) زمان را جایگزین $M_1 - M_2$ (پنج هزار تومان) پول کند. نسبت زمانی که نیاز است تا جایگزین این پول شود را نرخ جایگزینی فنی زمان به جای پول برای تولید رضایت خاطر زندگی پس از مرگ می‌گوییم و چنین به‌دست می‌آید که از تابع تولید رضایت خاطر مشتق ضمنی می‌گیریم، برابر صفر می‌گذاریم و نسبت تغییر آنها را به‌دست می‌آوریم؛ با فرض اینکه داریم:

$$U_A = f(T_A) + f(M_A) \quad (13)$$

خواهیم داشت:

$$\Delta U_A = \Delta T_A \cdot MU_{T_A} + \Delta M_A \cdot MU_{M_A} \quad (14)$$

به سخن دیگر تغییر رضایت خاطر زندگی پس از مرگ برابر تغییر در زمان به کار برده شده در راه خداوند متعال ﷻ ضرب در رضایت خاطر نهایی این زمان به اضافه تغییر در پول پرداختی در راه خداوند متعال ﷻ ضرب در رضایت خاطر نهایی این پول پرداختی است. این را برابر صفر می‌گذاریم و نسبت تغییر را به دست می‌آوریم:

$$0 = \Delta T_A \cdot MU_{t_A} + \Delta M_A \cdot MU_{m_A} \quad (15)$$

$$\Rightarrow \Delta T_A \cdot MU_{t_A} = -\Delta M_A \cdot MU_{m_A}$$

از روی آن، نرخ نهایی جایگزینی T و M برای تولید رضایت خاطر چنین به دست می‌آید:

$$\Rightarrow \frac{\Delta M_A}{\Delta T_A} = \frac{MU_{t_A}}{MU_{m_A}} = MRTS_{T,M} \quad (16)$$

۱۱۵

در اینجا وی دو دارایی ناهمسان، یکی پول و دیگری زمان دارد. با این فرض می‌توانیم برای وی، خط دارایی (بودجه) بر پایه پول و زمان مانند خط MT در نمودار یازده بکشیم. روی محور افقی این نمودار همان زمان (T) و روی محور عمودی پول (M) است. اگر فرض کنیم او می‌تواند زمان خود را کار کند و برابر ریالی دستمزدی (w) برای آن داشته باشد، می‌توانیم ارزش زمان را نیز بر پایه هزینه فرصت کارکردن به پول تحلیل کنیم. این هزینه فرصت زمان را ACT می‌نامیم که به واحد پولی است. بر این پایه T در اینجا برابر با $\frac{ACT}{W}$ است. دارایی پولی نیز مانند همین می‌تواند به زمان تبدیل شود.

در خط دارایی T_1M_1 ، اندازه T_1 نشان‌دهنده ارزش زمانی تمام دارایی‌های پولی و زمانی است که کسی می‌تواند در راه خداوند متعال ﷻ هزینه کند. همچنین M_1 نیز ارزش پولی جمع پول و زمانی است که وی می‌تواند در راه خداوند متعال ﷻ هزینه کند. بر این اساس $T_1 \times W_1$ برابر M_1 است. مانند همین هم برای خط بودجه‌های M_2T_2 و M_eT_e هست.

خط دارایی (بودجه) کشیده شده در این نمودار می‌تواند برای هر دوره - حال، آینده و پس از مرگ - یا هر سه دوره روی هم نیز به کار برده شود. برای هر کسی سه عامل در جایگاه و شیب این خط بودجه اثرگذار هستند: الف) دارایی پولی (دارایی و درآمد) وی؛

ب) دارایی زمانی وی که می‌تواند به اینها تخصیص دهد؛ ج) دستمزدی که برای کارکردن - به کار بردن زمان برای به دست آوردن دستمزد - می‌تواند به دست آورد.

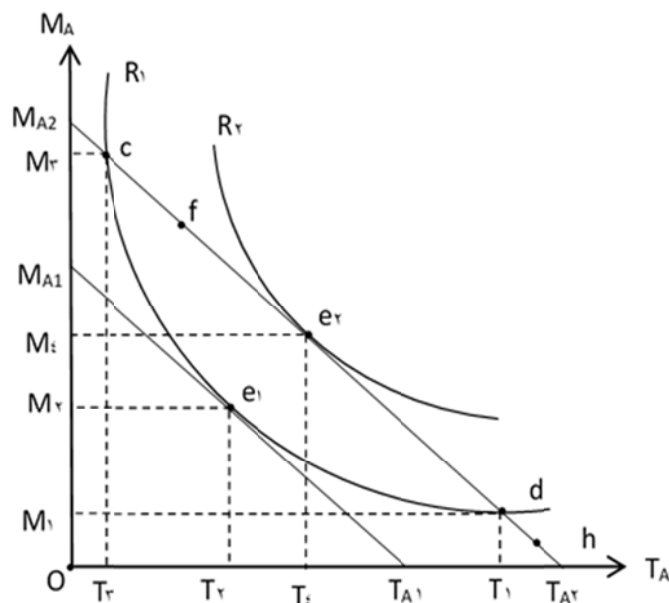
$$E = \frac{M}{1} \frac{ACT}{W} \tag{۱۷}$$

در آن M و ACT بر پایه پول و هزینه هستند و اگر مشتق ضمنی این رابطه را بگیریم، از آن شیب خط دارایی (بودجه) به دست می‌آید:

$$\text{شیب خط دارایی (بودجه)} = -\frac{W}{1} = -W \tag{۱۸}$$

برای اینکه در اینجا ترکیب بهینه به دست بیاید باید پایین‌ترین خط دارایی یا بودجه‌ای که با منحنی تولید همسان رضایت‌خاطر نقطه مماس دارد را برگزیند. بر این پایه اگر کسی بخواهد به اندازه R_1 رضایت‌خاطر برای زندگی پس از مرگ خود فراهم کند، می‌تواند با ترکیب‌های گوناگونی مانند T_3M_3, T_2M_2, T_1M_1 - نقطه‌های d, e و c و ... به این رضایت‌خاطر دست یابد؛ چون در ترکیب نقطه e با اندازه M_2 پول و T_2 زمان، کمترین هزینه را خواهد داشت، این ترکیب را بر خواهد گزید. در این نقطه، شیب خط دارایی (بودجه) برابر شیب منحنی تولید همسان رضایت‌خاطر یا همان نرخ نهایی جانشینی فنی زمان به جای پول برای فراهم کردن رضایت‌خاطر است.

نمودار ۱۱: ترکیب بهینه به‌کارگیری زمان و پول در راه خداوند متعال ﷻ



چون قدر مطلق شیب خط دارایی (بودجه) برابر دستمزد ($-w$) است؛ پس نرخ جانشینی فنی زمان به جای پول برای فراهم کردن رضایت خاطر زندگی پس از مرگ را باید برابر دستمزدی کند که می‌تواند از به‌کاربردن زمان برای کار به دست آورد. پس باید داشته باشد.

$$MRTSU_{T,M} = \frac{-MU_t}{MU_t} = -W \quad (19)$$

بر این پایه هر کسی بر پایه عقلانیت کوشش خواهد کرد در به‌کارگیری زمان و پول به کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ نسبت رضایت خاطر نهایی انتظاری از زمان داده‌شده در راه خداوند متعال ﷻ به رضایت خاطر نهایی انتظاری از پول داده‌شده در راه خدای خود را برابر نسبت هزینه این دو کند.

به سخن دیگر کسانی که هزینه فرصت زمانی برایشان بیشتر است، زمان کمتری برای کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ می‌دهند و در برابر، پرداخت پولی در راه خدای آنها بیشتر است. همچنین کسانی که هزینه فرصت زمان برایشان کمتر است، زمان بیشتری برای کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ می‌دهند. بر این پایه است که دارایان و دارندگان درآمد بیشتر پول بیشتری در راه خداوند متعال ﷻ پرداخت می‌کنند و کسانی که درآمد و دارایی کمتر دارند، زمان بیشتری به کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ می‌دهند. همچنین یکی از علت‌هایی که بازنشستگان و ... هم‌زمان بیشتری به کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ می‌دهند، افزون بر اثرگذاری سن بیشتر، همین اثر دستمزد و هزینه فرصت زمان آنهاست.

اگر به‌گونه دیگری به این تحلیل نگاه کنیم و بگوییم کسی می‌خواهد دارایی برابر خط دارایی $T_{A_2} M_{A_2}$ را در راه خداوند متعال ﷻ هزینه کند. می‌دانیم که وی می‌تواند ترکیب‌های c, f, d, h و ... را برگزیند؛ اما می‌دانیم با ترکیب‌های d و c رضایت‌خاطری به اندازه R_1 برای وی فراهم می‌شود. رضایت‌خاطر تولیدی ترکیب h ، کمتر از R_1 است، پس عقلانی نیست هنگامی که می‌تواند با همین هزینه به R_1 دست بیابد، کمتر از آن را برگزیند. رضایت‌خاطر تولیدی ترکیب f برای d ، بیشتر از R_1 است؛ پس عقلانی نخواهد بود در جایی که می‌تواند ترکیب f را برگزیند با همان هزینه، ترکیب‌های دیگر را برگزیند. همچنین اگر وی ترکیب e_2 را برگزیند رضایت‌خاطر تولیدی برایش بیشتر از تمام ترکیب‌های دیگر خواهد شد. بر این پایه عقلانی است وی با یک دارایی برای به‌کارگیری

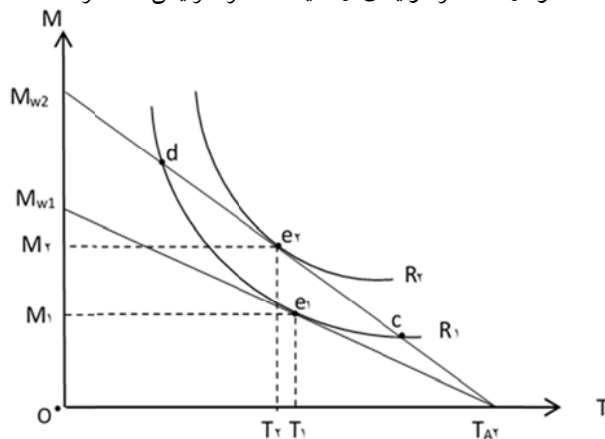
در راه خداوند متعال $\text{عَلَيْهِ السَّلَام}$ برابر $T_{A2} M_{A2}$ ترکیبی مانند e_2 را برگزیند. در این نقطه نیز نرخ نهایی جانشینی فنی تولید رضایت خاطر، برابر دستمزد وی است. این یک پایه کلی برای بهینه‌سازی است.

اثر دستمزد بر جایگزینی زمان و پول

چنان‌که دیدیم هر کسی ترکیب بهینه زمانی و پولی به کار گرفته‌شده در راه خداوند متعال $\text{عَلَيْهِ السَّلَام}$ برای فراهم کردن رضایت خاطر زندگی پس از مرگ خود را در جایی بر می‌گزیند که نرخ نهایی جانشینی فنی زمان و پول برای فراهم کردن رضایت خاطر وی، برابر دستمزد وی باشد.

برای تحلیل بهتر فرض می‌کنیم کسی فقط زمان برای به‌کارگیری در راه خداوند متعال $\text{عَلَيْهِ السَّلَام}$ یا کارکردن و دریافت دستمزد برای به‌کارگیری پول آن در راه خداوند متعال $\text{عَلَيْهِ السَّلَام}$ دارد. فرض می‌کنیم وی T_{AL} زمان دارد که اگر آن را کار کند، درآمد به دست می‌آورد. خط دارایی (بودجه) وی برای به‌کارگیری در راه خداوند متعال $\text{عَلَيْهِ السَّلَام}$ برابر $M_{A1} T_{A1}$ می‌شود. بهینه به‌کارگیری زمان و پول برای فراهم کردن رضایت خاطر زندگی پس از مرگ وی در نقطه e_1 روی منحنی تولید همسان رضایت خاطر R_1 جای می‌گیرد که بر پایه آن به اندازه T_1 زمان و به اندازه M_1 پول در راه خداوند متعال $\text{عَلَيْهِ السَّلَام}$ هزینه خواهد کرد - به کردارهای در راه خداوند متعال $\text{عَلَيْهِ السَّلَام}$ خواهد داد - به سخن دیگر وی T_{A1} از زمان خود را کار می‌کند تا M_1 پول به دست آورد و در راه خداوند متعال $\text{عَلَيْهِ السَّلَام}$ هزینه کند تا رضایت خاطر زندگی پس از مرگ به دست آورد، همراه آن T_1 اندازه زمان خود را برای کردارهای خداپسندانه می‌گذارد تا رضایت خداوند متعال $\text{عَلَيْهِ السَّلَام}$ را به دست آورد:

نمودار ۱۲: اثر تولیدی رضایت خاطر افزایش دستمزد



چون این ترکیب رضایت‌خاطر بیشتری برای وی فراهم خواهد کرد تا اینکه تمام زمان خود را برای کردارهای دیگر در راه خداوند متعال ﷻ به کار می‌گیرد. این ترکیب از هر ترکیب دیگری مانند اینکه تمام زمان را کار کند و درآمد آن را در راه خداوند متعال ﷻ هزینه کند یا زمان بیشتری را به کردارهای دیگر در راه خداوند متعال ﷻ بدهد. جابه‌جایی از ترکیب e_1 به ترکیب e_2 یعنی کاهش به‌کارگیری زمان از T_1 به T_2 و افزایش به‌کارگیری پول از M_1 به M_2 را جمع اثر افزایش دستمزد در جایگزینی زمان و پول برای هزینه‌کردن در راه خداوند متعال ﷻ می‌گوییم.

در اینجا جمع ارزش پولی زمان و پولی که در راه خداوند متعال ﷻ به کار گرفته می‌شود، برابر مساحت مستطیل $OM_1e_1T_1$ است. در اینجا اگر فرض کنیم دستمزد افزایش بیابد، وی می‌تواند T_{A1} زمان را برای کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ به کار بگیرد. در برابر اگر تمام این زمان را کار کند، درآمد پولی بیشتری مانند M_{A2} به دست می‌آورد. بر این پایه خط دارایی (بودجه) وی خط $T_{A2} M_{A2}$ می‌شود و وی می‌تواند روی این خط دارایی، نقطه c و d را برگزیند که همان R_1 رضایت‌خاطر را تولید می‌کند؛ اما عقلانی است که در جایی ترکیب به‌کارگیری زمان و پول در راه خداوند متعال ﷻ را برگزیند که رضایت‌خاطر بیشتری تولید (فراهم) کند. این ترکیب جایی است که نرخ نهایی جایگزینی فنی زمان و پول برای تولید رضایت‌خاطر، برابر نرخ دستمزد جدید و روی خط دارایی باشد.

این ترکیب در نقطه e_2 به دست می‌آید که رضایت‌خاطری بیشتر از R_1 - یعنی برابر R_2 - فراهم می‌کند. در این ترکیب وی زمان کمتری در راه خداوند متعال ﷻ به کار برده است و در برابر آن بخشی از این زمان را - که هنگامی که دستمزد او کمتر بود، در راه خداوند متعال ﷻ به کار می‌برده است - کار می‌کند و به جای آن پول دستمزد خود را در راه خداوند متعال ﷻ هزینه می‌کند. در این گزینه بیشتر می‌تواند رضایت خداوند متعال ﷻ را به دست آورد.

در اینجا جمع ارزش پولی آنچه وی در راه خداوند متعال ﷻ هزینه کرده است، برابر $OM_2e_2T_2$ است. می‌توان دید که $OM_2e_2T_2$ بیشتر از $OM_1e_1T_1$ است؛ پس با این کار ارزش ریالی دارایی که وی در راه خداوند متعال ﷻ و برای فراهم کردن رضایت‌خاطر زندگی پس از مرگ هزینه می‌کند، بیشتر شده است. به سخن دیگر جامعه نیز از این

ترکیب نو به کارگیری دارایی وی، سود بیشتری می برد. همچنین برای خود وی نیز رضایت خاطر بیشتری فراهم خواهد شد. تفاوت $OM_2e_2T_2$ از $OM_1e_1T_1$ را جمع اثر افزایش دستمزد در جایگزینی زمان و پول برای هزینه کردن در راه خداوند متعال ﷻ می گوئیم. بر این پایه با افزایش دستمزد هر کسی با ثابت بودن تمام چیزهای دیگر، سهم زمانی که وی برای کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ می گذارد، کاهش می یابد و سهم پرداخت پولی در راه خدایش افزایش می یابد.

اثر تولیدی و اثر جانشینی دستمزد

چنان که دستمزد افزایش یابد، دو اثر بر روی به کارگیری زمان و پول در راه خداوند متعال ﷻ خواهد داشت. یک اثر با افزایش درآمد، رخ می دهد که اثر تولیدی نامیده می شود و اثر افزایش توان زمان انسان برای فراهم کردن رضایت خداوند متعال ﷻ - پاداش برای رضایت خاطر زندگی پس از مرگ - است و دیگری اثر جایگزینی فنی یا جانشینی پول به جای زمان برای فراهم کردن (تولید) رضایت خاطر زندگی پس از مرگ است. این دو اثر را جداگانه توضیح می دهیم.

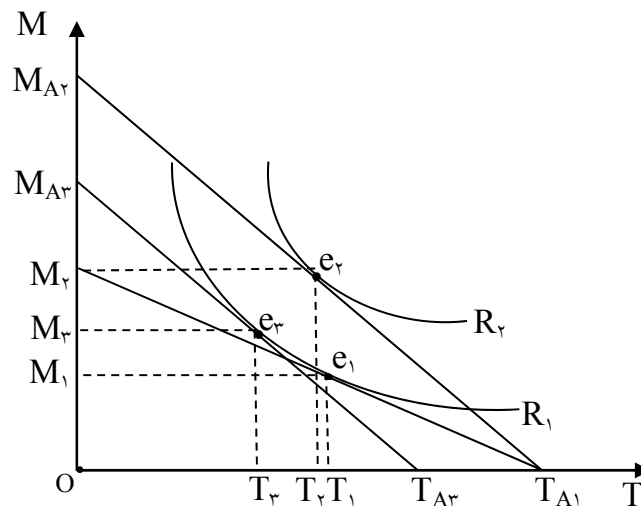
برای نشان دادن بهتر دو اثر تغییر دستمزد، نمودار پانزده را مانند نمودار دوازده برای R_1 و $MA_2 T_{A1}$ و MA_2 می گیریم. اگر در خط بودجه $MA_1 T_{A1}$ دستمزد برابر w باشد و اگر با دارایی (بودجه) $MA_1 T_{A1}$ ، ترکیب بهینه روی نقطه e_1 باشد و دستمزد به w_2 افزایش یابد، خط دارایی به $MA_2 T_{A1}$ بالا می رود، شیب آن هم برابر w_2 - شده است که قدر مطلق آن بیش از w_1 است. چنانچه خط دارایی $MA_2 T_{A1}$ را در جهت خود پایین بیاوریم تا با منحنی R_1 مماس شود، خط $TA_3 MA_3$ به دست می آید. این خط در نقطه e_3 با منحنی تولید همسان رضایت خاطر R_1 مماس است.

۱. اثر جانشینی

در نقطه e_1 و e_3 ترکیب های زمان و پول در راه خداوند متعال ﷻ یکسان نیست؛ اما رضایت خاطر یکسانی فراهم می کند. این دو ترکیب با هم این تفاوت را دارند که در ترکیب e_3 دستمزد افزایش یافته است. افزایش دستمزد، نقطه تعادل را به جایی از منحنی

تولید همسان رضایت‌خاطر خواهد برد که قدر مطلق شیب آن برابر دستمزد باشد. جابه‌جایی از e_1 به e_3 اثر قیمتی یا اثر جانشینی فنی نامیده می‌شود.

نمودار ۱۳: جایگزینی (جانشینی) پول به جای زمان در اثر تغییر دستمزد



بر این اساس اگر وی بخواهد برایش رضایت‌خاطری برابر R_1 فراهم شود، ترکیب بهینه وی در نقطه e_3 خواهد بود. در اینجا هر چند رضایت‌خاطر فراهم‌شده برای خودش همچنان R_1 است؛ اما ارزش پولی آنچه در راه خداوند متعال ﷻ هزینه کرده است از ترکیب e_1 بیشتر است چون نقطه‌ای بالاتر از خط دارایی (بودجه) پیشین وی T_{A1} M_{A1} است.

همچنین در اینجا نسبت زمان به پول پرداختی برای فراهم کردن رضایت‌خاطر زندگی پس از مرگ هم کاسته شده است؛ یعنی انسان‌ها با افزایش دستمزد اگر بخواهند همان رضایت‌خاطر پیشین را برای خود فراهم کنند، زمان کمتری نسبت به پول در راه خداوند متعال ﷻ هزینه می‌کنند. به سخن دیگر با افزایش دستمزد، انسان‌ها خواهان آن هستند که به جای صرف زمان در راه خداوند متعال ﷻ ، پول بیشتری در راه خداوند متعال ﷻ بدهند و زمان خود را بیشتر برای کار یا کردارهای دیگر بگذارند. به سخن روشن‌تر هنگامی که انسان‌ها با زمان خود می‌توانند دستمزد بیشتری دریافت کنند، بهتر خواهند دید که برای فراهم کردن رضایت خداوند متعال ﷻ - رضایت‌خاطر زندگی پس از مرگ - به جای دادن

زمان به کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ، پول در راه خداوند متعال ﷻ هزینه کنند که ارزش نسبی کمتری برایشان پیدا کرده است.

۲. اثر تولیدی

چنان‌که گفتیم افزایش دستمزد، توان پولی دارایی انسان یا به سخن دیگر توان هزینه کردن پول در راه خداوند متعال ﷻ را افزایش می‌دهد. نقطه e_3 روی خط دارایی $MA_1 TA_1$ فقط اثر افزایش دستمزد بدون آنکه افزایش توان تولیدی را داشته باشد نشان می‌دهد. به سخن دیگر، در این نقطه توان تولیدی، همان توان پیشین است؛ اما دستمزد - قیمت نسبی زمان به پول - افزایش داشته است. اگر در همین قیمت نسبی نو - دستمزد بیشتر شده - تمام توان تازه وی را برای فراهم کردن رضایت خاطر به کار بگیریم، نقطه تعادل e_2 به دست می‌آید. به سخن دیگر افزایش دستمزد نه تنها به اندازه خودش - شیب را افزایش داده است و - پول را به جای زمان، جانشین کرده است و نرخ نهایی جانشینی فنی را به اندازه‌ای که در نقطه e_3 می‌باشد افزایش داده است که هم‌زمان توان فرصتی پولی وی را هم افزایش داده است. این افزایش توان جابه‌جایی از نقطه e_3 به نقطه e_2 است. نقطه e_3 در برابر نقطه e_2 همان نسبت قیمتی (دستمزد) را دارد؛ اما توان وی در فراهم کردن رضایت خاطر از آن کنار گذاشته شده است. این اندازه کنار گذاشته شده تفاوتی است که میان نقطه e_3 و e_2 هست و آن را اثر تولیدی افزایش (کاهش) دستمزد می‌گوییم.

۳. اثر کاهنده بودن رضایت خاطر نهایی

این پرسش مهم نیز یکی از پرسش‌های پایه درباره در اقتصاد خرد است که تغییر (کاهش) رضایت خاطر نهایی چه اثری بر تخصیص زمان دارد؟ می‌دانیم هر کسی کوشش می‌کند زندگی دو جهان خود را بهبود ببخشد و بهینه کند. بر این پایه است که دارایی‌های خود را برای سه دوره حال، آینده این جهان و جهان پس از مرگ به کار می‌گیرد؛ پس اینکه فرض کردیم کسی که رفتارش را تحلیل می‌کنیم دارایی از پیش جدا شده‌ای را برای زندگی پس از مرگ گذاشته است، فرضی با اندکی دور از واقعیت است. واقعی‌تر آن است که بدانیم با فرض کاهنده بودن رضایت خاطرهای نهایی، اگر وی تمام دارایی افزایش یافته از افزایش دستمزد خود را در راه فراهم کردن رضایت خاطر بیشتر برای زندگی پس از مرگ هزینه

کند. رضایت‌خاطر نهایی آن کاهش می‌یابد و با کاهش رضایت‌خاطر نهایی، برای وی عقلانی نخواهد بود اگر رضایت‌خاطر تولیدی هزینه‌کردن این افزایش دارایی در جای دیگری بیشتر است، وی تمام این افزایش دارایی را در راه خداوند متعال ﷻ یا دست‌یابی به رضایت‌خاطر زندگی پس از مرگ هزینه کند. چنان‌که فرض کنیم چیزهای دیگر ثابت است، رضایت‌خاطر نهایی این هزینه برای جهان پس از مرگ کاهش می‌یابد و کمتر از رضایت‌خاطر نهایی هزینه‌کردن آن برای زندگی این جهان می‌شود. بر این پایه وی بخشی از این افزایش توان تولید رضایت‌خاطر خود را برای تولید رضایت‌خاطر زندگی این جهان به کار خواهد گرفت و دارایی داده‌شده در راه خداوند متعال ﷻ - برای زندگی پس از مرگ - کاهش می‌یابد. هر چند جمع ارزش پولی این دارایی افزایش یافته، برای وی رضایت‌خاطر بیشتری فراهم کرده است و افزون بر این، برای جامعه هم سودمندتر بوده است.

همچنین و در برابر این، اگر وی بخواهد همه افزایش ارزش دارایی خود را برای فراهم کردن زندگی این جهان هزینه کند. به سخن دیگر، ترکیبی از زمان و پول را در راه خداوند متعال ﷻ به کار بگیرد که رضایت‌خاطری برابر R_1 برای او فراهم کند، در اینجا نیز چون هزینه‌کردن دارایی بیشتر برای زندگی این جهان، رضایت‌خاطر نهایی آن را کاهش می‌دهد، عقلانی نخواهد بود - اگر رضایت‌خاطر نهایی هزینه‌کردن دارایی برای فراهم کردن رضایت‌خاطر زندگی پس از مرگ بیشتر باشد - وی باز هم تمام دارایی افزوده‌شده را به زندگی این جهان بدهد؛ پس عقلانیت و فرض کاهنده‌بودن رضایت‌خاطرها نهایی چنین پاسخ می‌دهد که انسان با افزایش دستمزد، ترکیب‌هایی را بر خواهد گزید که تولید رضایت‌خاطر زندگی پس از مرگ بیشتر از R_1 و کمتر از R_2 داشته باشد.

برای نشان‌دادن این اثر دوباره با نگاه نو به گفتار و تحلیل به‌کارگیری دارایی به زندگی این جهان و زندگی پس از مرگ باز می‌گردیم. گفتیم دارایی هر کسی جمع دارایی پولی و زمانی وی است و وی کوشش می‌کند این دو را در راه بهبود سه دوره دو زندگی خود به کار بگیرد. اگر دارایی وی را به ارزش پولی (ریالی) بنویسیم خواهیم داشت:

$$Em = M + T.W \quad (21)$$

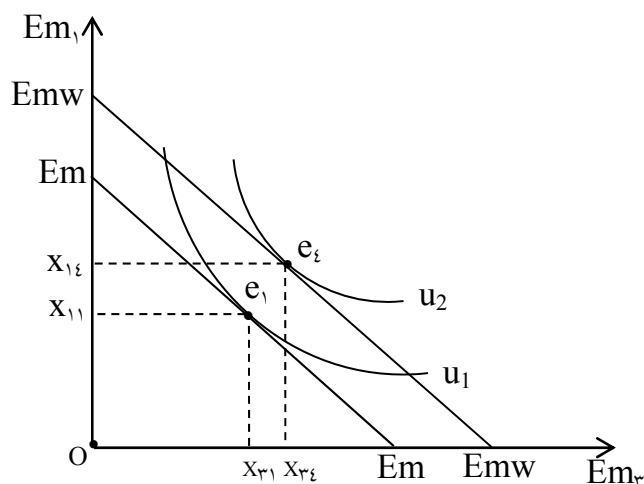
در آن Em ارزش پولی دارایی زمانی و پولی او، M دارایی پولی و $T.W$ زمان ضرب در دستمزد که ارزش پولی زمان او را نشان می‌دهند. او این دارایی را به دو بخشی می‌کند و برای زندگی این جهان و زندگی پس از مرگ به کار می‌گیرد. می‌توان آن را چنین نوشت:

$$Em = Em_1 + Em_3 \quad (22)$$

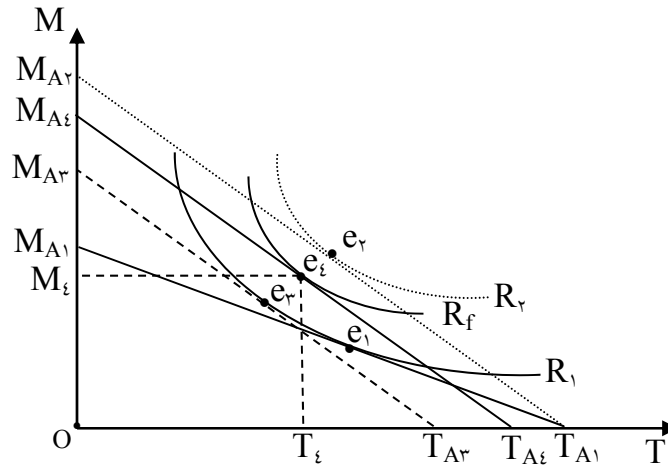
در آن Em ارزش پولی دارایی، Em_1 ارزش پولی دارایی داده‌شده به زندگی این جهان و Em_3 ارزش پولی دارایی داده‌شده به زندگی پس از مرگ است. چنان‌که گفتیم این دو را در چارچوب تصمیم‌گیری به‌کارگیری دارایی برای دو زندگی از هم جدا می‌کند. با افزایش هر بخش از این دو، جمع دارایی افزایش می‌یابد و وی در به‌کارگیری دارایی خود بازبینی می‌کند و در بازبینی نو، رضایت‌خاطرهای نهایی و افزایش توان (دارایی) خود را هم‌زمان می‌بیند و در به‌کارگیری دارایی خود برای دو زندگی بازبینی می‌کند.

نمودار چهارده این اثر را نشان می‌دهد. با فرض اینکه این فرد، نخست در نقطه e_1 است، اگر دستمزد وی افزایش یابد و فقط این افزایش دستمزد، برای آن بخش از زمان باشد که در راه خداوند متعال ﷻ به کار می‌برده است، آنگاه ارزش ریالی دارایی وی افزایش می‌یابد و این افزایش خط بودجه وی را بالا می‌برد و با بالا رفتن این خط بودجه، وی دیگر در نقطه e_1 در تعادل نیست. او در نقطه‌ای مانند e_4 در تعادل است که هم به‌کارگیری دارایی وی برای زندگی این جهان بیشتر است و هم به‌کارگیری دارایی وی برای زندگی پس از مرگ بیشتر شده است. این نشان می‌دهد که با افزایش این دستمزد، بخشی از اثر تولیدی افزایش رضایت‌خاطر که با افزایش دستمزد افزایش یافته است، برای زندگی این جهان داده می‌شود؛ پس در این جایگاه وی در نقطه e_2 در نمودار چهارده نخواهد بود نقطه‌ای پایین‌تر از آن است که این نقطه با بازبینی در به‌کارگیری دارایی و روشن شدن جمع دارایی داده‌شده در راه خداوند متعال ﷻ و خط دارایی به‌دست می‌آید. اگر فرض کنیم در اینجا دارایی داده‌شده در راه خدای وی با خط Em_w نشان داده می‌شود، نقطه تعادل وی نقطه e_4 روی نمودار پانزده می‌شود:

نمودار ۱۴: بازبینی در به‌کارگیری دارایی برای دو زندگی در اثر افزایش دستمزد



نمودار ۱۵: بازبینی در به‌کارگیری زمان و پول در راه خداوند متعال ﷻ



۱۲۵

هر چند گزینه‌های ویژه مانند کسی که ایمان ندارد، کسی که در نزدیک مرگ است و ... گزینه‌های ویژه دیگری هستند. تحلیل پیش‌گفته، تحلیل انسان‌های عادی با برخورداری از ایمانی به اندازه میانه و با مانده امید به زندگی عقلانی است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله پیش رو کوشیدیم چگونگی به‌کارگیری دوگانه زمان برای کردارهای در راه خداوند متعال ﷻ و در برابر آن کردارهای زندگی این جهان را تحلیل کنیم. در این‌باره چگونگی به‌کارگیری زمان برای کردارها، اثر ایمان بر به‌کارگیری دوگانه زمان برای کردار در راه خداوند متعال ﷻ و کار، اثر دستمزد بر به‌کارگیری زمان برای کار و کردار در راه خداوند متعال ﷻ، جایگزینی زمان و پول برای تولید رضایت‌خاطر را تحلیل کنیم. ترکیب بهینه به‌کارگیری پول و زمان در راه خداوند متعال ﷻ برای به‌دست‌آوردن رضایت‌خاطر بیشینه در دو جهان را به دست آوردیم. اثر دستمزد بر جایگزینی زمان و پول برای فراهم کردن رضایت‌خاطر زندگی پس از مرگ و اثر تولیدی و اثر جانشینی دستمزد را تحلیل و روشن کردیم. نشان دادیم که یک انسان دین‌دار بر پایه ایمان خود چگونه زمان خود را به کار، استراحت و کردار در راه خداوند متعال ﷻ تخصیص می‌دهد. همچنین

دریافتیم که انسان هر دو دارایی پول و زمان خود را برای دستیابی به رضایت خداوند متعال ﷻ به کار می‌گیرد و این دو در این راه جانشین هم هستند. افزایش دستمزد اثر منفی بر تخصیص زمان در راه خداوند متعال ﷻ و اثر مثبت در تخصیص پول در راه خداوند متعال ﷻ دارد، ولی افزایش دستمزد، جمع تخصیص دارایی به راه خداوند متعال ﷻ را افزایش می‌دهد.

منابع و مأخذ

۱. برنسون، ویلیام اچ؛ اقتصاد کلان؛ ترجمه عباس شاکری؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
۲. حسینی، سیدرضا؛ الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمان؛ قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹.
۳. داوودی، پرویز؛ اقتصاد خرد ۱؛ تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶.
۴. رضایی، مجید؛ «آثار برخی قواعد فقهی بر بازار کار»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۵، ش ۱۸، ۱۳۸۴.
۵. صدر، سیدکاظم و مجید رضایی؛ «عرضه نیروی کار فرد مسلمان و عوامل مؤثر بر آن»؛ مجموعه مقالات اولین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷.
۶. عزتی، مرتضی؛ نظریه اسلامی رفتار مصرف‌کننده؛ تهران: مرکز پژوهش‌های اقتصاد، ۱۳۸۲.
۷. قاسمی، عبدالرسول و مصطفی شریف؛ اقتصاد خرد؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۸۷.
۸. کرمی، محمدحسین؛ «درآمدی بر الگوی تخصیص زمان با نگرش دینی»؛ جستارهای اقتصادی، س ۱، ش ۱، ۱۳۸۳.
۹. کشاورز حداد، غلامرضا و فاطمه برهانی؛ «تصمیم جمعی درون خانواده و تخصیص زمان زن و شوهر: شواهدی از تأثیر نسبت جنسیتی بر عرضه نیروی کار فردی زنان و مردان در ایران»؛ تحقیقات اقتصادی، س ۴۷، ش ۱۰۱، ۱۳۹۱.

۱۰. موسوی، میرحسین و معصومه نعمت‌پور و حسین زرین اقبالی؛ «تحلیل نظری وضع مالیات بهینه با توجه به الگوی تخصیص زمان»؛ پژوهشنامه اقتصادی، س ۸، ش ۲۹، ۱۳۸۷.
۱۱. میرمعزی، سیدحسین؛ «نظریه رفتار تولیدکننده و تقاضای کار در اقتصاد اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۴، ش ۱۳، ۱۳۸۳ الف.
۱۲. _____؛ «عرضه نیروی کار در اقتصاد اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۴، ش ۱۴، ۱۳۸۳ ب.
۱۳. _____؛ «تعادل در بازار کار و استخراج عرضه کل در اقتصاد اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۴، ش ۱۵، ۱۳۸۳ ج.
۱۴. نظری، حسن‌آقا؛ «کار، اشتغال و تولید در آیین نهج‌البلاغه»؛ نامه مفید، س ۸، ش ۲۷، ۱۳۸۰.
۱۵. نهضتی، سیدبهروز، جمشید پژویان، تیمور محمدی و عباس شاکری؛ «تحلیل رفتار خیرخواهانه در ایران»؛ نامه مفید، س ۱۸، ش ۹۰، ۱۳۹۱.
16. Cleveland, Mark & Laroche, Michel & Hallab, Ranim; **Globalization, culture, religion, and values: Comparing consumption patterns of Lebanese Muslims and Christians**; J Bus Res; 2011.
17. Collard, David; **Altruism & Economy: a study in non-selfish Economics**; Martin Robertson & Company Ltd .,Oxford, 1981.
18. Huge, Dean R. and Yang, Feng gang; “Determinants of Religious Giving in American Denominations: Data from Two Nationwide Surveys”; **Rev. Rel. Res.**, 36: 2, 1994.
19. Iannaccone, Laurence R.; “Religious Practice: A Human Capital Approach”; J. Sci. **Study Rel.**, 29: 3, 1990.
20. _____; “Sacrifice and Stigma: Reducing Free – Redding in Cults, Communes”; and Other Collectives; J. Polit. Econ., 100: 2, 1992.

21. _____; “Introduction to the Economics of Religion”; **J. Economic Literature**, Vol. 36, 1998.
22. _____; **Progress in the Economics of Religion**; Santa Clara: Santa Clara University, CA 95053, 2001.
23. Lipford, Jody W., McCormick and Robert E., and Tollison, Robert D; “Preaching Matters”; **J. Econ. Behave**, Organ. 21: 3, 1993.
24. Montgomery, James D.; “Dynamics of the Religious Economy: Exit, Voice, and Denominational Secularization”; **Ration. & Soc.**, 8:11996a.
25. _____; “Contemplations on the Economic Approach to Religious Behavior”; **Amer. Econ Rev.**, 86: 2, 1996b.
26. Murray, John E; “Determinants of Membership Levels and Duration in a Shaker Commune, 1780-1880”; **J. Study Rel.**, 34: 1, 1995a.
27. _____; “Human Capital in Religious Communes: Literacy and Selection of Nineteenth Century Shakers”; **Explore. Econ. Heist**, 32: 2, 1995b.
28. Neuman, Shoshana; “Religious Observance within a Human Capital Framework”; **Theory and Application: App. Econ.**, 18: 11, 1986.
29. Sullivan, Dennis H; “Simultaneous Determination of Church Contributions and Church Attendance”; **Econ. Inquiry**, 23: 2, 1985.
30. Wallis, Joe L; “Modelling Churches as Collective Action Groups”; **Int. J. Soc. Econ**, 14: 1, 1990.
31. Zaleski, Peter A. and Charles, Zech, E; “Economic and Attitudinal Factors in Catholic and Protestant Religious Giving”; **Rev. Rel. Res.**, 36:2, 1994.